

بررسی رابطه بین متغیرهای آموزش و موفقیت تحصیلی دانشجویان رشته حسابداری

(مطالعه موردی: دانشگاه آزاد اسلامی واحد دماوند)

محمد حامد خان محمدی^۱، علیرضا رضاخسروی^۲، امیر صیفی^۳، مینا مزینی^۴

چکیده

در این مقاله سعی شده است تا ارتباط بین متغیرهای آموزشی و موفقیت تحصیلی دانشجویان حسابداری مورد بررسی قرار گیرد تا با استفاده از نتایج به دست آمده بتوان عوامل موثر را شناسایی و رتبه بندی نمود و از این طریق، مؤلفه های با اهمیت را تقویت نموده و موجبات بهبود کیفی آموزش را فراهم آورد. در این پژوهش از میانگین نمره کلاس به عنوان نماینده ارزیابی موفقیت تحصیلی استفاده گردید. برای این منظور داده های مربوط به متغیرهای پژوهش برای ۳۶۸ کلاس در دو نیمسال تحصیلی سال ۹۱-۹۲ از بانکهای اطلاعاتی موجود در بخش آموزش دانشگاه، گردآوری و سپس برای آزمون فرضیه ها از آزمون ضریب همبستگی پیرسون و رگرسیون، آزمون t و تحلیل واریانس یک راهه برای مقایسه میانگین ها با توجه به نوع فرضیه ها استفاده شد. نتایج حاصل از این پژوهش نشان می دهد که متغیرهای روز برگزاری کلاس، زمان برگزاری آزمون، سطح تحصیلات استاد، نحوه همکاری استاد، جنسیت استاد، سن استاد و نمره ارزیابی استاد توسط دانشجویان دارای رابطه معنی دار با موفقیت تحصیلی دانشجویان هستند. همچنین بین موفقیت تحصیلی با متغیرهای

^۱استادیار گروه حسابداری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد دماوند، دماوند، ایران Dr.khanmohammadi@yahoo.com

^۲کارشناس ارشد حسابداری kazsign@yahoo.com

^۳کارشناس ارشد مدیریت آموزش، مدرس دانشگاه آزاد اسلامی واحد دماوند، دماوند، ایران Seifi20_amir@yahoo.com

^۴کارشناس ارشد مدیریت آموزش، مدرس دانشگاه آزاد اسلامی واحد دماوند، دماوند، ایران mozaiinim@yahoo.com

زمان برگزاری کلاس، رشته تحصیلی استاد، نیمسال های برگزاری کلاس و جمعیت کلاس رابطه معنی داری مشاهده نگردید.

واژگان کلیدی: موفقیت تحصیلی، متغیرهای آموزش، نمره ارزیابی استاد توسط دانشجو

مقدمه

در حالی که تاریخچه رشته حسابداری به هزاران سال قبل برمیگردد اما متأسفانه در بسیاری از کشورهای در حال توسعه هنوز این رشته جایگاه واقعی خود را در اقتصاد و اخذ تصمیمات اقتصادی به دست نیاورده است. یکی از دلایل اساسی این کاستی مشکلات موجود در آموزش حسابداری است که این موضوع در کشور ما نیز مشهود بوده و در گذشته توسط برخی از محققان دانشگاهی مورد توجه و چالش قرار گرفته و در برخی از پایان نامه های کارشناسی ارشد و دکتری از زوایای مختلف به آن پرداخته شده است، ولی تحقیقات مزبور اغلب حوزه های کلی نظیر سرفصل دروس را بررسی نموده و به طور خاص بر روی یک موضوع متمرکز نشده اند.

همچنین با توجه به اینکه حوزه آموزش حسابداری از سال ها قبل مورد نظر محققین زیادی بوده است ولی در سال های اخیر به سرعت افزایش یافته است که می توان دلایل زیادی را برای آن بر شمرد. که یکی از مهمترین دلایل این افزایش این است که حسابداری در حال تطابق با یک محیط تجاری در حال تغییر است. ابداعات بازارهای مالی، پیشرفتهای مهم تکنولوژی ارتباطات و کامپیوتر و حرکت به سمت اقتصاد خدماتی محور همگی نیازمند اطلاعات زیادی هستند که حرفه حسابداری بایستی این نیاز را مرتفع کند. مدرسین حسابداری بایستی به این تغییرات عکس العمل نشان دهند و این ممکن نیست مگر اصلاحات پایان ناپذیر کتاب های درسی، تغییرات دوره های آموزشی، استفاده از سیستم های آموزشی جایگزین و در نهایت تحقیق در حوزه آموزش (ویلیامز^۱، ۱۹۸۸).

از اینرو این پژوهش به دنبال پاسخ به این سوال است که چه رابطه ای میان متغیرهای سیستم آموزشی با موفقیت یا پیشرفت تحصیلی دانشجویان حسابداری وجود دارد؟ بر اساس نتایج حاصل از این تحقیق می توان عوامل کلیدی موجب موفقیت را شناسایی، رتبه بندی و تقویت نمود.

¹ - Williams

مروری بر ادبیات و پیشینه پژوهش

آموزش حسابداری در بسیاری از جوانب با مکاتب و رشته‌های درسی دیگر کاملاً متفاوت است. بر خلاف بسیاری از گرایش‌های سنتی دانشگاه، دانشگاهیان حسابداری عمدتاً در حرفه نیز فعال می‌باشند. همچنین برنامه‌های آموزشی حسابداری نسبت به رشد مداوم حرفه حساس و آگاه است. بطور مثال سیستم‌های اطلاعاتی و نمونه‌گیری آماری از واحدهای درسی است که در دوره‌های حسابداری گذارنده می‌شود، در حالیکه ۱۵ سال قبل این واحدهای درسی وجود نداشت. در ۱۰ سال قبل، اینکه آیا دانشجو مجاز به آوردن ماشین حساب بر سر امتحان باشد یا نه جای سؤال داشت، ولی امروزه دانشجویان به استفاده از میکرو کامپیوترها به عنوان یک ابزار کمک آموزشی که آنها را برای ورود به حرفه آماده می‌کند، تشویق هم می‌شوند. آموزش حسابداری بیش از سایر رشته‌ها باید نسبت به پویایی حرفه و محیط تجاری پیرامون خود هوشیار باشد و ارتباط خود را با حرفه حفظ کند(همان منبع).

از طرفی دانشگاهیان حسابداری با برخی از مشکلات مواجه هستند که کمتر رشته دانشگاهی با آن مواجه است. دوره‌های آموزشی حسابداری در تعامل با نهادهای سیاسی و آموزشی است و بایستی منابع محدود را به روشی که اهداف متعدد آموزش را تأمین کند، تحقق یابد. تقاضا برای آموزش حسابداری بیش از منابع آموزشی است در حالیکه در اکثر رشته‌های تحصیلی این مشکل وجود ندارد. بطور مثال در حالیکه در سایر رشته‌ها، دانشجوی دکتری بیش از میزان نیاز است، در حسابداری همیشه بر عکس بوده است.

هیئت استاندارد های بین المللی آموزش حسابداری^۱ در استاندارد شماره دو، " محتوای برنامه های آموزش حسابداری حرفه ای "، تأکید دارد که دانشجویان باید دانش حرفه ای، مهارت های حرفه ای و اخلاقیات و رویه های حرفه ای را کسب کنند و باید بتوانند این عوامل را یکپارچه سازند و در این راه می توان از اعضای حرفه حسابداری نیز برای توسعه مهارت های حرفه ای استفاده کرد. دانش اولیه ای که باید بخشی از برنامه حسابداری باشد شامل:

۱. حسابداری، امور مالی و معلومات مربوط به آن (حسابداری مالی و گزارشگری، حسابداری مدیریت و کنترل، مالیات، قوانین تجاری و بازرگانی، حسابرسی، مدیریت مالی و مالیه و ارزش ها و اخلاق های حرفه ای)

¹ - International Federation of Accounting

۲. دانش تجاری و سازمانی (اقتصاد، محیط بازرگانی، نظام راهبری شرکتی، اخلاق تجاری، بازارهای مالی، روش های کمی، رفتار سازمان، تصمیم گیری راهبردی و مدیریت، بازاریابی و فعالیت تجارت بین المللی)
 ۳. دانش و توانایی های فناوری اطلاعات (دانش کلی فناوری اطلاعات، دانش کنترل فناوری اطلاعات، توانایی کنترل فناوری اطلاعات، صلاحیت کاربرد فناوری اطلاعات و صلاحیت ایفای نقش های مدیریت، ارزیابی و طراحی سیستم های اطلاعاتی)
 - مهارت هایی که باید توسط افراد حرفه ای حسابداری توسعه یابد، در استاندارد بین المللی آموزش (شماره ۳) مورد بحث قرار گرفته است که شامل:
 ۱. مهارت های ذهنی (کسب و سازماندهی اطلاعات، تفکرات تحلیلی و انتقادی، حل مشکلات بدون ساختار به طور بالقوه)
 ۲. مهارت های فکری و کارکردی (مدل سازی تصمیمات و تحلیل ریسک، اندازه گیری، گزارشگری مطابق با الزامات قانونی)
 ۳. مهارت های شخصی (مدیریت فردی، انگیزش، تاثیرات و خود آموزی، تخصیص اولویت ها، پیش بینی و انطباق با تغییرات، کاربرد های ارزش های حرفه ای، اخلاقیات و نگرش ها در تصمیم گیری)
 ۴. مهارت های اجتماعی و ارتباطی (کار گروهی، مذاکره در مورد راه حل های قابل قبول، فعالیت اثر بخش در زمینه فرهنگ و اندازه گیری چندین بعد ارتباطی)
 ۵. مهارت های مدیریتی سازمانی و بازرگانی (برنامه ریزی راهبردی، مدیریت پروژه، مدیریت منابع انسانی، تصمیم گیری، سازماندهی و نظم بخشیدن به وظایف، ترغیب و توسعه افراد، رهبری، بصیرت و قضاوت های حرفه ای) (IFAC، 2010)
- از طرف دیگر، تحقیقات آموزشی مرتبط با دانشجویان به دو گروه مشخص طبقه بندی می شوند: نگرش دانشجویان^۱ و پیشرفت تحصیلی دانشجویان^۲. تحقیقات اساسی در زمینه گرایش دانشجویان به این موضوع اختصاص دارند که چطور دانشگاه نگرش و عقاید دانشجویان را نسبت به جهان و خودشان تغییر داده است. اکثر این مطالعات به متغیر های آماری و مقداری که تاثیر دانشگاه بر دانشجویان را برجسته میکنند، تاکید دارند.

¹ Attitude

² Achievement

گروه متمایز دوم از تحقیقات آموزش مرتبط با دانشجویان، وابسته به پیشرفت تحصیلی و متغیرهای اثر گذار بر آن است. برخی از این مطالعات در جستجوی یافتن راهی برای پیش بینی پیشرفت دانشجویان هستند. یک زیر مجموعه پیشرفت، مهارت‌های ارتباطی است که در تحقیقات آموزشی بسیار مهم بوده و از این رو به صورت یک عنوان مجزا در این فصل مورد بررسی قرار می‌گیرد. مهمترین موضوع تحقیق در حوزه مهارت‌های ارتباطی عبارت است از درک از ارتباط^۱ و روشی که این مهارت بر عملکرد و انتخاب رشته تاثیر می‌گذارد. بنابراین موضوع پیشرفت به دو بخش تقسیم می‌شود مهارت‌های ارتباطی و پیشرفت های تحصیلی.

در واقع پیشرفت تحصیلی به عنوان یکی از ابعاد پیشرفت در نظام آموزش و پرورش است. که به معنی موفقیت دانش آموزان در گذراندن دروس یک پایه تحصیلی مشخص و یا موفقیت در امر یادگیری مطالب درسی می باشد و مخالف آن، افت تحصیلی است که از معضلات و مشکلات نظام آموزشی می باشد و به صورت های مختلف، مثل عدم موفقیت دانش آموزان در دستیابی به اهداف مقاطع تحصیلی مربوطه و یا مردودی و یا تکرار واحدهای درسی مربوطه و ترک تحصیل زودرس و بلا تکلیفی خود را نشان می دهد. همچنین، جهت اندازه گیری و ارزشیابی پیشرفت تحصیلی راه ها و شیوه های خاصی وجود دارد و از مدت ها پیش امتحانات و آزمون های متعددی وجود داشته که دائماً در حال تکمیل آنها بوده اند. آزمون های پیشرفت تحصیلی را از نقطه نظرهای متفاوت می توان طبقه بندی کرد، مایر^۲ (۱۹۸۹) آزمونها را در چهار طبقه تقسیم بندی می کند:

- ۱- آزمون های معلم ساخته در مقابل آزمون های تجاری که توسط یک آموزگار و برای استفاده در کلاس تهیه می شود.
- ۲- آزمونهای پیشرفت در مقابل آزمون های توانایی، که هدف آن اندازه گیری دانش ویژه ای است که در خلال یادگیری کسب شده است.
- ۳- آزمونهای معیارگرا در مقابل آزمونهای هنجارگرا، که آزمودنی با توجه به معیار خاصی سنجیده می شود.

۴- آزمونهای پایانی در مقابل آزمونهای تشخیصی: که در پایان یک قسمت از بخش های تدریس معلم به ارزشیابی از آنها پرداخته می شود.

پژوهش های انجام شده در داخل کشور در حوزه آموزش حسابداری بیشتر متمرکز بر محتوای برنامه درسی بودند. نروش(۱۳۸۲) مشکل آموزش حسابداری را کمبود نیروی انسانی مورد نیاز،

¹ Communication Apprehension

² Mayer

دانشجویان واجد شرایط و محتوای برنامه درسی می داند و بیان می کند برای دستیابی به برنامه درسی موثر، باید در مسیر فعلی برنامه درسی تغییر بنیادی صورت گیرد. نوروش (۱۳۸۴) بیان می کند که راه حل عملی برای پوشش فاصله بین دیدگاه گروه های مختلف، درک آن توسط دانشگاهیان و شاغلین در حرفه و سپس تعامل دو گروه یاد شده برای آگاهی از تازه های علمی از سوی شاغلین در حرفه و آشنایی با مشکلات موجود در عمل از سوی دانشگاهیان است. مجتهدزاده و همکار (۱۳۸۹)، در تحقیقی اهمیت و کفایت دانش و مهارت های مورد نیاز برای دانش آموزان رشته حسابداری را از دید استادان دانشگاه، شاغلین در حرفه و دانشجویان حسابداری مورد بررسی قرار دادند. نتایج نشان داد، که بین دیدگاه های گروه های مختلف تفاوت معنی داری وجود دارد و آموزش مهارت های تجاری /مدیریتی در برنامه های آموزشی از اولویت بالاتری برخوردار است. خان محمدی (۱۳۹۱) در پژوهش با عنوان "بررسی اثر متغیرهای دموگرافیک بر موفقیت تحصیلی دانشجویان حسابداری و تعیین مولفه های موثر" به بررسی اثر متغیرهای دموگرافیک بر موفقیت تحصیلی دانشجویان حسابداری پرداخت. هدف این بررسی پاسخ به این سوال بود که کدام گروه از دانشجویان در رشته حسابداری از شانس موفقیت بالاتری برخوردارند و بر این اساس این رشته را می توان به چه گروه هایی از دانش آموزان دوره دبیرستان پیشنهاد داد. در این پژوهش اطلاعات مربوط به ۲۰۲ دانشجوی سال آخر و فارغ التحصیل مقطع کارشناسی پیوسته حسابداری جمع آوری و آزمون گردید. نتایج حاصل از این تحقیق نشان داد که رابطه معنی دار بین جنسیت، معدل دبیرستان و نیز رشته تحصیلی دوره دبیرستان دانشجویان وجود دارد. همچنین، پژوهش های انجام شده در خارج، بیشتر بر بررسی تفاوت بین دیدگاه اساتید و شاغلان در حرفه متمرکز بود. بسیاری از تغییرات انجام شده در آموزش، حسابداری به اندازه کافی فراگیر نبوده و بسیاری از تغییرات اشتباه بوده است. برنامه های حسابداری باید به نحوی تغییر کند که دانشجویان مهارت های لازم را برای ورود به حرفه کسب کنند (فرنچ^۱، ۲۰۰۳). لین و همکاران^۲ (۲۰۰۵)، نیز در تحقیقی به بررسی دیدگاه شاغلان در حرفه، استادان دانشگاه و دانشجویان، برای تعیین دانش و مهارت های مورد نیاز برای دانشجویان رشته حسابداری پرداخته اند. نتایج تحقیق نشان می دهد بین دیدگاه گروه های مختلف تفاوت معنی دار وجود دارد و اصلاح برنامه آموزش حسابداری، نه تنها ضروری بلکه الزام آور است. راگوتامن و همکاران^۳ (۲۰۰۷) در تحقیقی به این نتیجه رسیدند که از نظر شاغلان در حرفه، مهارت های ذهنی

¹ - French

² - Lin, Xiong & Liu

³ - Ragothaman, Lavin & Davis

و از نظر استادان دانشگاه، مهارت های ارتباطی، مهارت های بین فردی، دانش حسابداری و توانایی رهبری از اولویت برخوردار است. بلیزی و همکاران^۱ (۲۰۰۸) نیز در پژوهشی به این نتیجه رسیدند که شاغلان در حرفه بر مهارت های فکری و بین فردی، دانشجویان رشته حسابداری بر مهارت های ارتباطی و بین فردی و استادان دانشگاه بر مهارت های فکری، خود مدیریتی، ارتباطی و بین فردی تاکید فراوان داشتند. در تحقیقی دیگر، نقش دوره کارآموزی در توسعه مهارت های دانشجویان حسابداری بررسی شد، و محقق در آن به این نتیجه رسید که گنجاندن دوره کارآموزی در برنامه درسی دانشگاهی حسابداری می تواند سودمند باشد (پایسی^۲، ۲۰۰۹). ادگارد^۳ (۲۰۱۱) در تحقیق خود به این نتیجه رسید که از دید شاغلین در حرفه حسابداری مدیریت، حسابداری مالی و حسابداری مالیاتی، دانش و کار گروهی، تفکر تحلیلی انتقادی و ارتباطات نوشتاری مهم ترین مهارت هایی هستند که باید در برنامه های آموزشی گنجانده شود.

فرضیات پژوهش

پس از بررسی ادبیات و پیشینه، و جهت دستیابی به پاسخ برای سوال اصلی پژوهش، فرضیه اصلی و یازده فرضیه فرعی به شرح زیر مطرح می شود:

فرضیه اصلی: بین متغیرهای آموزشی و موفقیت تحصیلی دانشجویان حسابداری رابطه معنی دار وجود دارد.

فرضیه های فرعی :

- ۱-روز برگزاری کلاس با موفقیت تحصیلی دانشجویان رابطه معنی دار دارد.
- ۲-زمان برگزاری کلاس با موفقیت تحصیلی دانشجویان رابطه معنی دار دارد.
- ۳-زمان برگزاری امتحانات با موفقیت تحصیلی دانشجویان رابطه معنی دار دارد.
- ۴-سطح تحصیلات استاد با موفقیت تحصیلی دانشجویان رابطه معنی دار دارد.
- ۵-نحوه همکاری استاد با دانشگاه با موفقیت تحصیلی دانشجویان رابطه معنی دار دارد.
- ۶-مرتبط بودن رشته تحصیلی استاد با موفقیت تحصیلی دانشجویان رابطه معنی دار دارد.
- ۷-جنسیت استاد با موفقیت تحصیلی دانشجویان رابطه معنی دار دارد.
- ۸-سن استاد با موفقیت تحصیلی دانشجویان رابطه معنی دار دارد.

¹ - Blazy, Ashiabor & Penelope

² - Paisey

³ - Edgard

- ۹-نمره ارزیابی استاد توسط دانشجویان با موفقیت تحصیلی دانشجویان رابطه معنی دار دارد.
- ۱۰- نیمسال های تحصیلی برگزاری کلاس ها موفقیت تحصیلی دانشجویان رابطه معنی دار دارد.
- ۱۱- جمعیت کلاس (سایز) با موفقیت تحصیلی دانشجویان رابطه معنی دار دارد.

متغیرهای پژوهش

متغیرهای مستقل این پژوهش عبارتند از مولفه های آموزشی شامل: روز برگزاری کلاس، زمان برگزاری کلاس، زمان برگزاری امتحانات، سطح تحصیلات استاد، مرتبط بودن رشته تحصیلی استاد، نحوه همکاری استاد با دانشگاه، جنسیت استاد، سن استاد، نمره ارزیابی استاد توسط دانشجویان، جمعیت کلاس (سایز) و نیمسال تحصیلی برگزاری کلاس.

متغیر وابسته: موفقیت تحصیلی است که متغیر نماینده آن در این پژوهش با توجه به محدودیت های موجود، میانگین نمرات دانشجویان یک کلاس، در نظر گرفته شده است.

جامعه مورد مطالعه

جامعه آماری این پژوهش کلیه کلاس های برگزار شده در دو نیمسال تحصیلی ۹۱-۹۲ می باشد. تعداد کلاس های برگزار شده برابر ۳۶۸ کلاس بوده که متغیرهای مستقل و وابسته در سطح هر کلاس جمع آوری و تحلیل می شوند. همچنین از آنجا که کلیه اطلاعات مورد بررسی قرار می گیرد، این پژوهش فاقد نمونه گیری است.

روش اجرا و روش تجزیه و تحلیل داده های پژوهش

مطالعه حاضر به این دلیل که به یافتن پاسخ برای مشکلاتی که مطرح است توجه دارد از منظر هدف، کاربردی و از بعد استراتژی اجرا، توصیفی - تحلیلی و از دیدگاه بررسی رابطه بین متغیرها، همبستگی است. جهت بررسی و گردآوری ادبیات و پیشینه پژوهش از روش کتابخانه ای و مراجعه به کتب، مقالات، مجلات و سایت های مرتبط استفاده گردید. همچنین به منظور جمع آوری داده های این پژوهش از روش میدانی و بررسی اسناد و مدارک موجود در آرشیو معاونت آموزشی و معاونت دانشجویی دانشگاه استفاده شد. همچنین به منظور تحلیل داده ها و برای بررسی نرمال بودن متغیرها از آزمون کولموگروف- اسمیرنوف استفاده شد و سپس برای آزمون فرضیه ها از آزمون ضریب همبستگی پیرسون و رگرسیون، آزمون t و تحلیل واریانس یک راهه برای مقایسه میانگین ها با توجه به نوع فرضیه ها استفاده شد. کلیه مراحل آماری با بهره گیری از نرم افزار spss انجام شده است.

تجزیه و تحلیل داده ها

بررسی توصیفی متغیرها نشان می دهد که از کل ۳۶۸ کلاس، تعداد ۱۹۱ کلاس (۵۱.۹٪) در نیمسال اول و ۱۷۷ کلاس (۴۸.۱٪) در نیمسال دوم برگزار شده اند. زمان برگزاری ۱۲۵ کلاس (۳۴٪) صبح، و ۲۴۳ کلاس (۶۶٪) عصر بوده است. همچنین زمان برگزاری امتحان ۱۴۱ کلاس (۴۵.۴٪) در نوبت صبح، و ۲۰۱ کلاس (۵۴.۶٪) در نوبت عصر بوده است. بررسی جنسیت اساتید نیز نشان داد که ۱۵۷ کلاس (۴۲.۷٪) استاد آنها زن، و ۲۱۱ کلاس (۵۷.۳٪) استاد آنها مرد بوده است. از طرف دیگر، سطح تحصیلات اساتید ۳۵۱ کلاس، کارشناسی ارشد (۹۵.۴٪)، و ۱۷ کلاس (۴.۶٪) دکتری بوده است که نشان دهنده کم بودن معنی دار اساتید با تحصیلات دکتری در رشته حسابداری است. از منظر نوع همکاری اساتید با دانشگاه، تعداد ۹۵ کلاس (۲۵.۸٪) دارای استاد هیات علمی و ۲۷۳ کلاس (۷۴.۲٪) استاد مدعو داشته اند. این موضوع نشان دهنده پایین بودن نسبت اعضای هیات علمی به دانشجویان در رشته حسابداری است. در نهایت تعداد ۳۰۶ کلاس (۸۳.۲٪) دارای اساتید با تحصیلات مرتبط و ۶۲ کلاس (۱۶.۸٪) اساتید با تحصیلات نا مرتبط داشته اند. در نهایت، جدول ۱ شاخص های توصیفی مربوط به متغیر وابسته را نشان می دهد.

جدول ۱: خلاصه شاخص های توصیفی نمره های پیشرفت تحصیلی

متغیرها	میانگین	انحراف معیار	کجی	کشیدگی	k-s(z)	Sig
پیشرفت تحصیلی	۱۳.۶۹	۲.۵۷	۰.۱۲۳	-۰.۷۹۷	۱.۲۰	۰.۱۱۰

توزیع نمره های پیشرفت تحصیلی دانشجویان شاخص های مختلف توصیفی اعم از میانگین، انحراف معیار، شاخص های کجی و کشیدگی و نتایج آزمون نرمال بودن داده ها (کولموگروف-اسمیرنوف) نشان می دهد که توزیع نمره های در متغیر اندازه گیری شده به توزیع نرمال میل دارد. همچنین میزان Z در سطح آلفای ۰/۰۵ معنادار نیست. در واقع میزان p -value از ۰/۰۵ بالاتر است و این برآورد نشان دهنده نرمال بودن داده های مربوط به موفقیت تحصیلی دانشجویان است. در نتیجه به منظور آزمون فرضیه ها از آزمون های پارامتریک مربوط به هر فرضیه استفاده می شود.

آزمون فرضیه اول: روز برگزاری کلاس با موفقیت تحصیلی دانشجویان رابطه معنی داری دارد. برای آزمون این فرضیه از آزمون تحلیل واریانس یک راهه استفاده شد.

جدول ۲: خلاصه تحلیل واریانس تک متغیری برای مقایسه پیشرفت تحصیلی دانشجویان در هر یک از روزهای هفته

منابع	مجموع مجذورات	DF	میانگین مجذورات	F	Sig
بین گروهی	۷۶.۳۳۵	۵	۱۵.۲۶۷	۲.۳۴۶	۰.۰۴۱
درون گروهی	۲۳۵۵.۳۷	۳۶۲	۶.۵۱		
مجموع	۲۴۳۱.۷۱	۳۶۷			

نتایج آزمون تحلیل واریانس در فوق نشان می دهد بین فاکتور های بین گروهی (موفقیت تحصیلی در روز های شنبه تا سه شنبه) تفاوت معناداری مشاهده می شود و آماره F (۲.۳۵) در سطح آلفای ۵ صدم ($p\text{-value} < 0/05$) با ۹۵ درصد اطمینان معنادار است. در نتیجه می توان گفت بین موفقیت تحصیلی افراد با توجه به روز برگزاری کلاس ها تفاوت معناداری مشاهده می شود. نتایج آزمون شفه نشان می دهد تفاوت میانگین پیشرفت تحصیلی دانشجویانی که شنبه و سه شنبه کلاس دارند از نظر آماری معنادار است و با توجه به اختلاف میانگین ها چنین برآورد می شود که دانشجویانی که سه شنبه کلاس دارند نسبت به دانشجویانی که شنبه کلاس دارند دارای تفاوت بارزی در پیشرفت تحصیلی هستند و در واقع پیشرفت تحصیلی بالاتری دارند.

آزمون فرضیه دوم: زمان برگزاری کلاس با موفقیت تحصیلی دانشجویان رابطه معنی داری دارد.

برای آزمون این فرضیه از آزمون t گروههای مستقل استفاده شد.

جدول ۳: خلاصه نتایج آزمون t گروه های مستقل (فرضیه دوم)

متغیر	زمان برگزاری کلاس	تعداد	میانگین	انحراف معیار	درجه آزادی	t	Sig
موفقیت تحصیلی	بعد ظهر	۲۴۳	۱۳.۸۴	۲.۵۲	۳۶۶	۱.۵۵	۰.۱۲۶
	صبح	۱۲۵	۱۳.۴۱	۲.۶۶			

با توجه به مقدار t محاسبه شده (۱.۵۵) و سطح معناداری (۰.۱۲۶) با درجه آزادی ۳۶۶ با حداقل ۹۵ درصد اطمینان نمی توان فرض صفر را رد کرد.

آزمون فرضیه سوم: زمان برگزاری امتحانات با موفقیت تحصیلی دانشجویان رابطه معنی دار دارد.

برای آزمون این فرضیه از آزمون t گروههای مستقل استفاده شد.

بررسی رابطه بین متغیرهای آموزش و موفقیت تحصیلی دانشجویان رشته حسابداری ... □ ۱۵۹

جدول ۴: خلاصه نتایج آزمون t گروه های مستقل (فرضیه سوم)

متغیر	ساعت امتحان	تعداد	میانگین	انحراف معیار	درجه آزادی	t	Sig
موفقیت تحصیلی	بعد ظهر	۲۰۱	۱۳۶۳	۲۰۴۹	۳۲۳۰۷	۲۰۳۷	۰۰۰۱
	صبح	۱۴۱	۱۳۰۲	۲۰۱۸			

با توجه به مقدار t محاسبه شده (۲۰۳۷) و سطح معناداری (۰۰۰۱۸) با درجه آزادی ۳۲۳۰۷ با حداقل ۹۵ درصد اطمینان می توان فرض صفر را رد کرد.

آزمون فرضیه چهارم: سطح تحصیلات استاد با موفقیت تحصیلی دانشجویان رابطه معنی داری دارد.

برای آزمون این فرضیه از آزمون t گروه های مستقل استفاده شد.

جدول ۵: خلاصه نتایج آزمون t گروه های مستقل (فرضیه چهارم)

متغیر	تحصیلات استاد	تعداد	میانگین	انحراف معیار	درجه آزادی	t	Sig
موفقیت تحصیلی	کارشناسی ارشد	۳۵۱	۱۳۰۷۸	۲۰۵۵	۳۶۶	۳۰۱۳	۰۰۰۰۲
	دکتری	۱۷	۱۱۰۸۱	۲۰۳۴			

با توجه به مقدار t محاسبه شده (۳۰۱۳) و سطح معناداری (۰۰۰۰۲) با درجه آزادی ۳۶۶ با حداقل ۹۵ درصد اطمینان می توان فرض صفر را رد کرد.

آزمون فرضیه پنجم: نوع همکاری استاد با موفقیت تحصیلی دانشجویان رابطه معنی داری دارد.

برای آزمون این فرضیه از آزمون t گروه های مستقل استفاده شد.

جدول ۶: خلاصه نتایج آزمون t گروه های مستقل (فرضیه پنجم)

متغیر	نوع همکاری	تعداد	میانگین	انحراف معیار	درجه آزادی	t	Sig
موفقیت تحصیلی	حق تدریس	۲۷۳	۱۴۰۱۸	۲۰۳۲	۳۶۶	۶۶۱	۰۰۰۰۰
	هیات علمی	۹۵	۱۲۰۲۷	۲۰۷۴			

با توجه به مقدار t محاسبه شده (۶۶۱) و سطح معناداری (۰۰۰۰) با درجه آزادی ۳۶۶ با حداقل ۹۵ درصد اطمینان می توان فرض صفر را رد کرد.

آزمون فرضیه ششم: مرتبط بودن رشته تحصیلی استاد با موفقیت تحصیلی دانشجویان رابطه معناداری دارد.

برای آزمون این فرضیه از آزمون t گروه‌های مستقل استفاده شد.

جدول ۷: خلاصه نتایج آزمون t گروه‌های مستقل (فرضیه ششم)

متغیر	ارتباط رشته	تعداد	میانگین	انحراف معیار	درجه آزادی	t	Sig
موفقیت تحصیلی	مرتبط	306	۱۳.۶۵	۲.۶۰	۳۶۶	-۰.۶۸۴	۰.۴۹۴
	غیر مرتبط	۶۲	۱۳.۸۹	۲.۴۴			

با توجه به مقدار t محاسبه شده (-۰.۶۸۴) و سطح معناداری (۰.۴۹۴) با درجه آزادی ۳۶۶ با حداقل ۹۵ درصد اطمینان نمی‌توان فرض صفر را رد کرد.

آزمون فرضیه هفتم: جنسیت استاد با موفقیت تحصیلی دانشجویان رابطه معناداری دارد. برای آزمون این فرضیه از آزمون t گروه‌های مستقل استفاده شد.

جدول ۸: خلاصه نتایج آزمون t گروه‌های مستقل (فرضیه هفتم)

متغیر	جنسیت	تعداد	میانگین	انحراف معیار	درجه آزادی	t	Sig
موفقیت تحصیلی	زن	۱۵۷	۱۴.۱۴	۲.۸۲	۲۹۷.۵	۲.۹۵	۰.۰۰۳
	مرد	۲۱۱	۱۳.۳۵	۲.۳۲			

با توجه به مقدار t محاسبه شده (۲.۹۵) و سطح معناداری (۰.۰۰۳) با درجه آزادی ۲۹۷.۵ با حداقل ۹۵ درصد اطمینان می‌توان فرض صفر را رد کرد.

آزمون فرضیه هشتم: سن استاد با موفقیت تحصیلی دانشجویان رابطه معنی داری دارد. برای آزمون این فرضیه‌ها از آزمون رگرسیون تک متغیره استفاده شد.

جدول ۹: مربوط به آزمون همبستگی بین سن استاد با موفقیت تحصیلی دانشجویان

سن استاد	موفقیت تحصیلی		
-۰.۱۹۴	۱	موفقیت تحصیلی	ضریب همبستگی پیرسون (r)
۱	-۰.۱۹۴	سن استاد	
۰.۰۰۰	۰	موفقیت تحصیلی	سطح معناداری
۰	۰.۰۰۰	سن استاد	
۳۶۸	۳۶۸	موفقیت تحصیلی	تعداد
۳۶۸	۳۶۸	سن استاد	

نتایج جدول فوق نشان می‌دهد سن استاد با موفقیت تحصیلی دانشجویان رابطه معناداری مشاهده می‌شود و میزان r در سطح آلفای ۵ صدم برابر با $r = -۰.۱۹۴$ معنادار است. جهت رابطه نیز منفی و

بررسی رابطه بین متغیرهای آموزش و موفقیت تحصیلی دانشجویان رشته حسابداری ... □ ۱۶۱

معکوس است یعنی هر چه سن استاد پایین تر بوده است موفقیت تحصیلی دانشجویان بالاتر می باشد.

جدول ۱۰: مربوط به ضریب تعیین رگرسیون

مدل	ضریب همبستگی	ضریب تعیین	ضریب تعدیل	خطای برآورد	دوره-سین واتسون
۱	-۰.۱۹۴	۰.۰۳۷	۰.۰۳۵	۲.۵۳	۱.۲۶۸

نتایج جدول فوق نشان می دهد میزان ضریب تعیین رگرسیون سن استاد با موفقیت تحصیلی دانشجویان برابر با $R^2 = ۰.۳۸$ می باشد که این میزان نشان می دهد ۳.۸ درصد از تغییرات مربوط به موفقیت تحصیلی دانشجویان توسط سن استاد قابل تبیین است و ۹۶.۲ درصد توسط سایر متغیرها قابل تبیین است.

جدول ۱۱: خلاصه نتایج مربوط به تحلیل واریانس

مدل	مجموع مجزورات	درجه گذاری	میانگین مجزورات	F	سطح معناداری
رگرسیون	۹۱.۱۷	۱	۹۱.۱۷	۱۴.۲۶	۰.۰۰۰
باقی مانده	۲۳۴۰.۵۳	۳۶۶	۶.۳۹		
کل	۲۴۳۱.۷۱	۳۶۷			

با توجه به جدول فوق و معنی دار شدن میزان F آزمون تحلیل واریانس ، ضریب تعیین رگرسیون را تأیید می شود نتایج نگاره فوق نشان F مشاهده شده برابر با $(F=۱۴.۲۶)$ در سطح آلفای ۵ درصد معنادار است و فرض صفر رد می شود. در نتیجه ضریب تعیین رگرسیون قابل تأیید است و نشان می دهد رابطه خطی بین متغیر وابسته و متغیر مستقل وجود دارد.

جدول ۱۲: نتایج مربوط به ضرایب معادله رگرسیون

سطح معناداری	T	بتای استاندارد	بتای غیر استاندارد	B	مدل رگرسیون
		بتا	خطای معیار		
۰.۰۰۰	۲۷.۹۴		۰.۵۶۴	۱۵.۷۶	عرض از مبدا (a)
۰.۰۰۰	-۳.۷۷	-۰.۱۹۴	۰.۰۱۴	-۰.۰۵۲	سن استاد

با توجه به جدول فوق می توان معادله خط رگرسیون را ترسیم کرد:

$$\text{سن استاد} = ۱۵.۷۶ - ۰.۰۵۲ \times \text{موفقیت تحصیلی دانشجویان}$$

نتایج جدول فوق نشان می دهد سن استاد تأثیر معنی دار و قابل پیش بینی در موفقیت تحصیلی دانشجویان دارد. همچنین با توجه به میزان بتا می توان گفت به ازاء یک واحد افزایش در سن استاد،

موفقیت تحصیلی دانشجویان ۰.۱۹۴ کاهش می یابد این میزان پیش بینی با توجه به میزان $t (3.77)$ در نگاره فوق در سطح آلفای ۵ صدم معنی دار است.

آزمون فرضیه نهم: نمره ارزیابی استاد توسط دانشجویان با موفقیت تحصیلی دانشجویان رابطه معنی دار دارد.

برای آزمون این فرضیه ها از آزمون رگرسیون تک متغیره استفاده شد.

جدول ۱۳: مربوط به آزمون همبستگی بین ارزیابی دانشجو توسط دانشجویان با موفقیت تحصیلی

دانشجویان

ارزیابی دانشجو	موفقیت تحصیلی		
۰.۵۱۵	۱	موفقیت تحصیلی	ضریب همبستگی
۱	۰.۵۱۵	ارزیابی دانشجو	پیرسون (r)
۰.۰۰۰	۰	موفقیت تحصیلی	سطح معناداری
۰	۰.۰۰۰	ارزیابی دانشجو	
۳۶۸	۳۶۸	موفقیت تحصیلی	تعداد
۳۶۸	۳۶۸	ارزیابی دانشجو	

نتایج جدول فوق نشان می دهد ارزیابی استاد توسط دانشجویان با موفقیت تحصیلی دانشجویان رابطه معنی داری مشاهده می شود و میزان r در سطح آلفای ۵ صدم برابر با $r = 0.515$ معنی دار است. جهت رابطه نیز مثبت و مستقیم است یعنی هر چه نمره ارزیابی دانشجویان از استاد بالاتر باشد، موفقیت تحصیلی دانشجویان بالاتر می باشد.

جدول ۱۴: مربوط به ضریب تعیین رگرسیون

مدل	ضریب همبستگی	ضریب تعیین	ضریب تعدیل	خطای برآورد	دوربین واتسون
۱	۰.۵۱۵	۰.۲۶۵	۰.۲۶۳	۲.۲۱	۱.۷۲

نتایج جدول فوق نشان می دهد میزان ضریب تعیین رگرسیون ارزیابی استاد توسط دانشجویان با موفقیت تحصیلی دانشجویان برابر با $R^2 = 0.265$ می باشد که این میزان نشان می دهد ۲۶.۵ درصد از تغییرات مربوط به موفقیت تحصیلی دانشجویان توسط ارزیابی دانشجویان از دانشجو قابل تبیین است.

جدول ۱۵: خلاصه نتایج مربوط به تحلیل واریانس

مدل	مجموع مجذورات	درجه گذاری	میانگین مجذورات	F	سطح معناداری
-----	---------------	------------	-----------------	---	--------------

بررسی رابطه بین متغیرهای آموزش و موفقیت تحصیلی دانشجویان رشته حسابداری ... □ ۱۶۳

رگرسیون	۶۴۵.۲۶	۱	۶۴۵.۲۶	۰.۰۰۰
باقی مانده	۱۷۸۶.۴۵	۳۶۶	۴۸۸	
کل	۲۴۳۱.۷۱	۳۶۷		

با توجه به جدول فوق و معنادار شدن میزان F آزمون تحلیل واریانس، ضریب تعیین رگرسیون را تأیید می شود نتایج نگاره فوق نشان F مشاهده شده برابر با $(F=۱۳۲.۱۹)$ در سطح آلفای ۵ درصد معنی دار است و فرض صفر رد می شود.

جدول ۱۶: نتایج مربوط به ضرایب معادله رگرسیون

سطح معناداری	T	بتای استاندارد		B	مدل رگرسیون
		بتا	خطای معیار		
۰.۰۰۰	-۶.۸۵		۲.۹۵	-۲۰.۲۴	عرض از مبدا (a)
۰.۰۰۰	۱۱.۴۹	۰.۵۱۵	۰.۱۵۸	۱.۸۱	ارزیابی

جدول فوق نتایج نهایی رگرسیون را نشان می دهد و با توجه به این نگاره می توان معادله خط رگرسیون را ترسیم کرد:

(ارزیابی استاد توسط دانشجویان) $-۲۰.۲۴ + ۱.۸۱ =$ موفقیت تحصیلی دانشجویان

نتایج جدول فوق نشان می دهد ارزیابی استاد توسط دانشجویان تأثیر معنی دار و قابل پیش بینی در موفقیت تحصیلی دانشجویان دارد. همچنین با توجه به میزان بتا می توان گفت به ازاء یک واحد افزایش در ارزیابی استاد توسط دانشجویان، موفقیت تحصیلی دانشجویان ۰.۵۱۵ افزایش می یابد. این میزان پیش بینی با توجه به میزان t (۱۱.۴۹) در نگاره فوق در سطح آلفای ۵ صدم معنی دار است.

آزمون فرضیه دهم: نیمسال های تحصیلی برگزاری کلاس ها و موفقیت تحصیلی دانشجویان رابطه معنی دار دارد.

جدول ۱۷: خلاصه نتایج آزمون t گروه های مستقل (فرضیه دهم)

متغیر	نیمسال ورود ۹۱	تعداد	میانگین	انحراف معیار	درجه آزادی	t	Sig
موفقیت تحصیلی	نیمسال اول	۱۹۱	۱۳.۸۲	۲.۶۶	۳۶۶	۱.۰۲	۰.۳۰۹
	نیمسال دوم	۱۷۷	۱۳.۵۵	۲.۴۷			

با توجه به مقدار t محاسبه شده (۱.۰۲) و سطح معنی داری (۰.۳۰۹) با درجه آزادی ۳۶۶ با حداقل ۹۵ درصد اطمینان نمی توان فرض صفر را رد کرد.

آزمون فرضیه یازدهم: جمعیت کلاس (سایز) با موفقیت تحصیلی دانشجویان رابطه معنی دار دارد.

برای آزمون این فرضیه ها از آزمون رگرسیون تک متغیره استفاده شد.
 جدول ۱۸: مربوط به آزمون همبستگی بین جمعیت کلاس (سایز) با موفقیت تحصیلی دانشجویان

تعداد نفرات کلاس	موفقیت تحصیلی	موفقیت تحصیلی	ضریب همبستگی پیرسون (r)
-۰.۰۷۶	۱	تعداد نفرات کلاس	۰.۰۷۴
۱	-۰.۰۷۶	موفقیت تحصیلی	۰
۰.۰۷۴	۰	تعداد نفرات کلاس	۳۶۸
۰	۰.۰۷۴	تعداد نفرات کلاس	۳۶۸
۳۶۸	۳۶۸	موفقیت تحصیلی	تعداد
۳۶۸	۳۶۸	تعداد نفرات کلاس	

نتایج جدول فوق نشان می‌دهد بین جمعیت کلاس (سایز) با موفقیت تحصیلی دانشجویان رابطه معنی داری مشاهده نمی‌شود و میزان r در سطح آلفای ۵ صدم برابر با $r = 0.076$ معنی دار نیست.
آزمون فرضیه اصلی: بین متغیرهای آموزش با موفقیت تحصیلی دانشجویان رشته حسابداری رابطه وجود دارد. برای آزمون این فرضیه ها از آزمون رگرسیون چندگانه استفاده شد.
 نتایج ماتریس همبستگی نشان داد که بین موفقیت تحصیلی دانشجویان و متغیر ساعت کلاس، ساعت امتحان، سن استاد، جنسیت، سطح تحصیلات استاد، نوع همکاری، ارتباط رشته و ارزیابی استاد توسط دانشجویان در سطح آلفای ۵٪ با ۹۵٪ اطمینان معنی دار است و فرض صفر رد می‌شود. اما برای متغیرهای نیمسال ورود به دانشگاه، روز کلاس و تعداد نفرات کلاس معنادار نمی‌باشند. در نتیجه برای ارائه مدل رگرسیون این سه متغیر وارد مدل نمی‌شود و مدل رگرسیون با سایر متغیرها ترسیم می‌شود.

جدول ۱۹: مربوط به ضریب تعیین رگرسیون

مدل	ضریب همبستگی	ضریب تعیین	ضریب تعدیل	خطای برآورد	دوربین واتسون
۱	۰.۵۶۴	۰.۳۱۸	۰.۳۰۱	۱.۹۹	۱.۷۹

نتایج جدول فوق نشان می‌دهد میزان ضریب تعیین رگرسیون متغیرهای آموزش با موفقیت تحصیلی دانشجویان برابر با $R^2 = 0.318$ می‌باشد که این میزان نشان می‌دهد ۳۱.۸ درصد از تغییرات مربوط به موفقیت تحصیلی دانشجویان توسط متغیرهای آموزش قابل تبیین است.

جدول ۲۰: خلاصه نتایج مربوط به تحلیل واریانس

مدل	مجموع مجذورات	درجه‌گذاری	میانگین مجذورات	F	سطح معناداری
-----	---------------	------------	-----------------	---	--------------

بررسی رابطه بین متغیرهای آموزش و موفقیت تحصیلی دانشجویان رشته حسابداری ... □ ۱۶۵

۰.۰۰۰	۱۹.۳۷	۷۷.۰۳	۸	۶۱۶.۲۱	رگرسیون
		۳.۹۷	۳۳۳	۱۳۲۳.۹۲	باقی مانده
			۳۴۱	۱۹۴۰.۱۳	کل

با توجه به جدول فوق و معنی دار شدن میزان F آزمون تحلیل واریانس، ضریب تعیین رگرسیون تأیید می شود. نتایج نگاره فوق نشان می دهد F مشاهده شده برابر با ($F=19.37$) در سطح آلفای ۵ درصد معنی دار است و فرض صفر رد می شود.

جدول ۲۱: نتایج مربوط به ضرایب معادله رگرسیون

سطح معناداری	T	بتای استاندارد		B	مدل رگرسیون
		بتای استاندارد	خطای معیار		
۰.۰۰۱	-۳.۴۱		۳.۲۲	-۱۰.۹۹	عرض از مبدا (a)
۰.۰۴۷	۱.۹۸	۰.۰۹۱	۰.۲۳۱	۰.۴۵۹	ساعت کلاس
۰.۴۲۳	۰.۸۰۲	۰.۰۳۸	۰.۲۲۷	۰.۱۸۲	ساعت امتحان
۰.۷۳۶	-۰.۳۳۷	-۰.۰۱۷	۰.۰۱۳	-۰.۰۰۴	سن استاد
۰.۰۹۸	-۱.۶۶	-۰.۰۸۵	۰.۲۴۶	-۰.۴۰۹	جنسیت استاد
۰.۷۳۱	۰.۳۴۴	۰.۰۱۸	۰.۵۷۲	۰.۱۹۷	تحصیلات استاد
۰.۰۰۰	۴.۳۳	۰.۲۵۴	۰.۳۲۴	۱.۴۰	نوع همکاری
۰.۱۵۰	۱.۴۴	۰.۰۶۹	۰.۲۹۵	۰.۴۲۶	ارتباط رشته
۰.۰۰۰	۶.۶۰	۰.۳۴۵	۰.۱۷۰	۱.۱۲	ارزیابی

جدول فوق نتایج نهایی رگرسیون را نشان می دهد و با توجه به آن می توان معادله خط رگرسیون را ترسیم کرد:

(ساعت کلاس) $+0.459$ (نوع همکاری) $+1.40$ (ارزیابی استاد توسط دانشجو) $+1.12 - 10.99 =$ موفقیت تحصیلی دانشجویان
 نتایج جدول فوق نشان می دهد نوع همکاری، ساعت کلاس و ارزیابی استاد توسط دانشجو تأثیر معنی دار و قابل پیش بینی در موفقیت تحصیلی دانشجویان دارد. همچنین با توجه به میزان بتا و ضریب t می توان گفت زمانی که ساعت امتحان بعد ظهر می باشد موفقیت تحصیلی بالاتر است. همچنین زمانی که نوع همکاری به صورت حق تدریس است پیش بینی موفقیت تحصیلی بالاتر است. همچنین با توجه به متغیر ارزیابی استاد توسط دانشجویان می توان گفت اساتیدی که بهتر ارزیابی شده اند کلاس آنها دارای موفقیت تحصیلی بالاتری می باشد.

بحث و نتیجه گیری

در جدول ۲۲ خلاصه نتایج حاصل از آزمون فرضیات آورده شده است.

جدول ۲۲: خلاصه نتایج حاصل از آزمون فرضیات پژوهش

متغیرهای آموزشی	نتیجه	توضیحات
۱ روز برگزاری کلاس	تایید وجود رابطه	موفقیت تحصیلی در روز سه شنبه بالاتر و در روزهای شنبه و چهارشنبه پایین تر از روزهای دیگر است.
۲ زمان برگزاری کلاس	عدم وجود رابطه	موفقیت تحصیلی ارتباطی با صبح یا عصر بودن زمان برگزاری کلاس ندارد.
۳ زمان برگزاری امتحان	تایید وجود رابطه	موفقیت تحصیلی در امتحانات صبح کمتر از امتحانات عصر است.
۴ سطح تحصیلات استاد	تایید وجود رابطه	موفقیت تحصیلی با اساتید دارای مدرک کارشناسی ارشد، بالاتر از اساتید دارای مدرک دکتری است.
۵ نحوه همکاری استاد	تایید وجود رابطه	موفقیت تحصیلی با اساتید مدعو بالاتر از اساتید هیات علمی است.
۶ مرتبط بودن رشته تحصیلی استاد	عدم وجود رابطه	موفقیت تحصیلی ارتباطی با رشته تحصیلی استاد ندارد.
۷ جنسیت استاد	تایید وجود رابطه	موفقیت تحصیلی با اساتید زن بیشتر از اساتید مرد است.
۸ سن استاد	تایید وجود رابطه	با افزایش سن استاد، میزان موفقیت تحصیلی کاهش می یابد.
۹ نمره ارزیابی استاد توسط دانشجو	تایید وجود رابطه	موفقیت تحصیلی با SET رابطه مستقیم دارد.
۱۰ نیمسال های تحصیلی	عدم وجود رابطه	موفقیت تحصیلی با نیمسال های تحصیلی رابطه ندارد.
۱۱ جمعیت کلاس	عدم وجود رابطه	موفقیت تحصیلی با جمعیت کلاس رابطه ندارد.

بر اساس نتیجه حاصل از فرضیه اول، کلاس هایی که در روز های شنبه و چهارشنبه برگزار می گردد، دارای موفقیت تحصیلی پایین تری هستند. تفسیر این امر می تواند این باشد که در ابتدا و پایان هفته دانشجویان تمرکز کمتری در یادگیری دارند. البته طبق نتیجه حاصل از فرضیه دوم، زمان برگزاری کلاس (صبح یا عصر) رابطه ای با موفقیت تحصیلی ندارد. نتیجه حاصل از آزمون فرضیه سوم نشان می دهد که آزمون های برگزار شده در عصر در مقایسه با آزمون های صبح موفقیت بیشتری برای کلاس به همراه داشته است. تفسیر این موضوع می تواند این باشد که از آنجا که اکثر

دانشجویان دماوند ساکن تهران هستند و با توجه به مسافت بین تهران تا دماوند، آزمون های عصر به صورت معنی داری موجب افزایش موفقیت تحصیلی دانشجویان می گردد.

نتیجه حاصل از آزمون فرضیه چهارم نشان می دهد که موفقیت تحصیلی کلاس هایی که استاد آنها دارای مدرک کارشناسی ارشد بوده در مقایسه با کلاس هایی که توسط اساتیدی با مدرک دکتری اداره شده، به طور معنی داری دارای موفقیت تحصیلی بالاتری بوده اند. تفسیر این موضوع می تواند این باشد که اساتید دارای مدرک دکتری سطوح بالاتری از انتظارات را نسبت به کیفیت آموزشی دانشجویان دارند و بر این اساس آزمون های سخت گیرانه تری را طراحی می کنند. نتایج این آزمون، بر خلاف تئوری های موجود و منطقی حوزه آموزش می باشد که طبق آن باید با افزایش دانش اساتید میزان موفقیت تحصیلی دانشجویان افزایش یابد.

نتیجه آزمون فرضیه پنجم نشان می دهد که موفقیت تحصیلی کلاس هایی که استاد آنها به صورت مدعو با دانشگاه همکاری می کند در مقایسه با کلاس هایی که توسط اساتید هیات علمی اداره می شود، به طور معنی داری دارای موفقیت تحصیلی بالاتری بوده اند. به نظر می رسد که اساتید هیات علمی با توجه به جایگاه مستحکم خود از منظر استخدامی، سطوح بالاتری از انتظارات را نسبت به کیفیت آموزشی دانشجویان دارند. نتایج به دست آمده از این آزمون نیز بر خلاف تئوری های موجود و منطقی حوزه آموزش می باشد که طبق آن باید میزان موفقیت تحصیلی در کلاس های دارای اساتید هیات علمی به دلیل حرفه ای تر بودن این اساتید و نیز آموزش های مرتبط داده شده به آنها، افزایش یابد.

نتایج آزمون فرضیه ششم بیانگر آن است که مرتبط بودن یا نبودن رشته تحصیلی استاد با موفقیت تحصیلی دانشجویان رابطه ندارد. این موضوع نیز با ادبیات حوزه آموزش همخوانی ندارد. به نظر می رسد اساتیدی که رشته تحصیلی آنها نامرتب بوده، نهایت تلاش خود را جهت کاهش این نقطه ضعف و نیز برای افزایش موفقیت تحصیلی دانشجویان به کار گرفته اند. نتیجه آزمون فرضیه هفتم نشان می دهد که موفقیت تحصیلی کلاس هایی که استاد آنها زن بوده در مقایسه با کلاس هایی که توسط اساتید مرد اداره می شوند، به طور معنی داری دارای موفقیت تحصیلی بالاتری بوده اند. به نظر می رسد که اساتید زن در رشته حسابداری که نیاز به صرف انرژی و حل تمرینات بسیار دارد در مقایسه با اساتید مرد بهتر عمل کرده اند.

نتیجه آزمون فرضیه هشتم نشان می دهد که موفقیت تحصیلی کلاس هایی که استاد آنها سن بالاتری داشته اند، به طور معنی داری دارای موفقیت تحصیلی پایین تری بوده اند. تفسیر این موضوع می تواند این باشد که اساتید جوان در رشته حسابداری ارتباط بهتری با دانشجویان برقرار نموده و

احتمالا تلاش بیشتری در جهت موفقیت آنها کرده اند. از طرف دیگر، می توان بیان نمود که اساتید مسن، شرایط سخت تری را برای دانشجویان در نظر گرفته اند. نتیجه حاصل از آزمون فرضیه نهم بیانگر آن است که ارتباطی مستقیم بین نمره ارزیابی استاد توسط دانشجویان (SET) با میزان موفقیت تحصیلی آن ها وجود دارد. این موضوع با ادبیات حوزه آموزش همخوانی دارد. البته در تفسیر این فرضیه باید با احتیاط عمل کرد. در این خصوص و در حوزه تحقیقات آموزشی، برخی یافته ها حاکی از مفید بودن SET در ارزیابی عملکرد اساتید بوده و برخی دیگر به غیر قابل اعتماد بودن این شاخص اشاره داشته اند.

همچنین نتایج حاصل از آزمون فرضیه های دهم و یازدهم نشان دادند که رابطه ای بین نیمسال های تحصیلی و جمعیت کلاس با موفقیت تحصیلی دانشجویان وجود ندارد. در خصوص متغیر جمعیت کلاس ذکر این نکته ضروری است که بر طبق تحقیقات مرتبط، با افزایش جمعیت کلاس میزان موفقیت تحصیلی کاهش می یابد.

در نهایت، با توجه به نتایج که برخی منطبق با تحقیقات پیشین در حوزه آموزش حسابداری هستند و برخی دیگر در تضاد با این تحقیقات قرار دارند، می توان ابراز داشت که این تحقیق یک گام اولیه در راستای این هدف می باشد. تفسیر جامع و مانع هر یک از فرضیات مطرح شده در این تحقیق، نیازمند تحقیقی جداگانه است. همانند سایر حوزه های تحقیقی در علوم رفتاری، باید به مسایل مرتبط با عامل انسانی به صورت کاملا علمی و مجزا توجه نمود. برای مثال آزمون فرضیه هفتم نشان داد که اساتید زن نسبت به اساتید مرد بهتر عمل کرده اند ولی دستیابی به ریشه ها و علل این موضوع خود نیازمند تحقیقی دیگر است.

پیشنهاد ها

بر اساس یافته های این تحقیق می توان پیشنهادهای مشخص ارائه داد از قبیل اینکه بهتر است روز برگزاری کلاس ها، ابتدا و پایان هفته نباشد. همچنین بهتر است امتحانات در نوبت عصر برگزار گردد. در ضمن برای افزایش موفقیت تحصیلی دانشجویان از اساتید زن جوان استفاده شود. جهت انجام تحقیقات آتی نیز پیشنهاد می گردد، این تحقیق در سایر واحد های دانشگاهی نیز انجام پذیرد و نتایج آن با تحقیق حاضر مقایسه و تحلیل شود. همچنین توصیه می شود که محققان آتی از ابزارهای استاندارد برای اندازه گیری موفقیت تحصیلی استفاده کنند. یعنی آزمون های استاندارد طراحی شود و بر اساس آن موفقیت تحصیلی ارزیابی گردد. پیشنهاد دیگر این است که

بررسی رابطه بین متغیرهای آموزش و موفقیت تحصیلی دانشجویان رشته حسابداری ... □ ۱۶۹

متغیرهای مطرح شده در این تحقیق به تفکیک دروس مورد بررسی قرار گیرند، یعنی دروس تخصصی و اصلی و عمومی به صورت جداگانه مورد بررسی قرار گیرند.

محدودیت های پژوهش

محدودیت اصلی این تحقیق، نحوه اندازه گیری متغیر وابسته است که موفقیت تحصیلی می باشد. در این تحقیق به دلیل محدودیت های مربوط به امکانات، زمان و هزینه، از میانگین نمره کلاس به عنوان جانشینی برای ارزیابی موفقیت تحصیلی استفاده شد. محدودیت دیگر این تحقیق به دلیل نوع خاص آن است که مطالعه موردی می باشد و نتایج آن قابل تعمیم به هیچ مورد دیگری نیست.

منابع فارسی :

خان محمدی، محمد حامد. (۱۳۹۱). "بررسی اثر متغیرهای دموگرافیک بر موفقیت تحصیلی دانشجویان حسابداری و تعیین مولفه های موثر"، همایش ملی حسابداری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد یزد

مجتهد زاده، ویدا و همکاران. (۱۳۸۹). دانش و مهارت های مورد نیاز برای دانش آموختگان مقطه کارشناسی حسابداری از دیدگاه استادان دانشگاه، شاغلان در حرفه و دانشجویان حسابداری، دانش حسابداری، سال اول، شماره ۱، ص ۷۳-۸۷

نوروش، ایرج. (۱۳۸۲). "بررسی فرآیند تغییر برنامه درسی و پیشنهاد برنامه درسی نوسازی شده برای دوره کارشناسی رشته حسابداری"، فصلنامه بررسی های حسابداری و حسابرسی، سال اول، شماره ۱، ص ۷۳-۸۷

نوروش، ایرج و مشایخی، بیتا. (۱۳۸۴). "نیازها و اولویت های آموزش حسابداری مدیریت، فاصله ادراکی بین دانشگاهیان و شاغلین در حرفه حسابداری"، بررسی های حسابداری و حسابرسی، سال دوازدهم، شماره ۴۱، ص ۱۶۱-۱۳۳

منابع لاتین :

Blazey, P., Ashiabor H. and J. Penelope. (2008). «Stakeholder Expectation for Generic Skills in Accounting Graduates , Curriculum Mapping and Implications For Change», Electronic copy available at : <http://ssrn.com/abstract=1123784>

Edgard. B. (2011). « How Relevant Do Accountants Consider Knowledge , skills and Instructional Methods Acquired During College and Required by the profession? A Cross – Country Analysis.»

French, G. R. .(2003). «A strategic Model for Accounting Education» , Journal of Applied Business Research , 10 (2) , 107-114

International federation of Accounts (IFAC) .(2010) .Hand book of International Education pronouncements 2010 Edition , New york ,Retrieved Dec , 27 , 2010 from <http://www.ifac.org>

Lin , Z. L. (2008) .«A factor Analysis on knowledge and skills Accounting , in corporating” , *dvances in International Accounting* , vol .24 , pp : 110-118

Paisey , C. (2009). «Developing skills via work placements in Accounting : Student and Employer views» , Accounting Forum , In press , corrected proof, Available online 11 July 2009

Regothaman , S. , A. Lavin , and T. Davies. (2007). «Perceptions of Accounting practitioners and Educators on E-business Curriculum and web security Issues» , College Student Journal , Vol. 41 , Iss. 1 , pp : 59-69

williams J .(۱۹۸۸) .a framework for the development of accounting education research .amrican accounting association.

Worthington, A. H .(۲۰۰۳) .Factors explaining the choice of a finance major:the role of students characteristics, personality and perceptions of the professions .Accounting Education.۲۶۱-۲۸۱